

# وضعیت امور خیریه‌ی اردبیل در عصر قاجار

الهام ملک زاده<sup>(۱)</sup>

اردبیل، پس از تبریز دومین شهر تاریخی و اقتصادی منطقه شرقی آذربایجان ایران محسوب می‌شود. (۲) در حال حاضر از نظر موقعیت جغرافیایی، مرکز استان اردبیل، در شمال شرق آذربایجان شرقی در ۳۶ و ۱۵ عرض شمالی و ۴۸ و ۲ طول شرقی گرتویج قرار دارد. (۳)

از شمال، در ۲۰ کیلومتری مرز ایران و جمهوری آذربایجان، و از شرق به کوه‌های طالش، آستارا و هشتر، از جنوب به خلخال، از مغرب به کوهستان سیلان و رود قره‌سو محدود است. ارتفاع آن از سطح دریا، ۱۳۵۰ متر می‌باشد. (۴)

اردبیل، از شهرهای بسیار قدیمی و مهم ایران است. نام این شهر، در شاهنامه بیش از دیگر مناطق آذربایجان ذکر گردیده است. به روایت شاهنامه، در عصر کیانیان، دژ بهمن در نزدیک اردبیل بود. کیخسرو پس از فتح آن، آتشکده آذر گشسب را در



ایجاد این شهر را به فیروز ساسانی (۴۵۹-۴۸۳ م) نسبت داده‌اند. اردبیل، در عهد ساسانیان و اوایل دوره اسلامی، مرکز آذربایجان و در دوره خلفای عباسی، از کانونهای مبارزه ایرانیان علیه اعراب بوده است. در دوره تیموریان و صفویان، خاستگاه حرکتهای سیاسی ایران و نهضت تشیع بود که به تشکیل حکومت صفویه منجر شد. اردبیل، مدتها پایتخت ایران بود و در روزگار صفوی، به صورت زیارتگاه و پناهگاه مجرمانی درآمد که به بقعه شیخ صفی روی می‌آوردند. (۶)

در زمان سلطنت فتحعلی شاه و در سال ۱۲۱۸ ق.، جنگ بین ایران و روس در گرفت و قوای روسیه، در خاک ایران پیشروی کردند و اردبیل را به تصرف در آوردند. اردبیل، تا انعقاد عهدنامه ترکمانچای (۱۲۴۵ ق.) در اشغال قوای بیگانه بود. در این مدت تمامی آثار و اشیای قیمتی و نادر مقبره شیخ صفی‌الدین و زینت آلات دیگر مقابر و کتب خطی نفیس و بی نظیر کتابخانه اردبیل (وقف شاه عباس)، غارت شد و بعدها از موزه‌های مسکو و لنینگراد سر در آورد. (۷) در سال ۱۲۵۲ ق.، طاعونی در اردبیل شیوع یافت و جمعیت آن را بسیار کاهش داد. (۸)

با انتقال امور ولعهد به تبریز، این شهر از رونق افتاد؛ ولی به واسطه وجود دژ «نارین قلعه»، به تبعیدگاه سیاسی مخالفان حکومت و مدعیان سلطنت تبدیل شد و بزرگان و شاهزادگان زیادی بدانجا تبعید شدند و به مفهوم صحیح‌تر حکمرانی اردبیل نیز، به معنای تبعید و تیبیه شخص حاکم تلقی می‌شد و چشمان ناپیدایی، اعمال و حرکات آنان را تحت نظر گرفته، به مرکز گزارش می‌داد. این «نارین قلعه»، در عصر فتحعلی شاه تعمیر و بر اساس نقشه افسران فرانسوی گاردان ساخته شد. خندقهایی نیز پیرامون دیوارهای جدید حفر شد که دژ را به محکم‌ترین قلاع ایران تبدیل نمود. (۹)

در زمان سلطنت ناصرالدین شاه (ذیحجه ۱۳۰۹ ق. و محرم ۱۳۱۰ ق. برابر با تیر و مرداد ۱۲۷۱ ش.) اردبیل، شاهد روزهای سخت و مصیبت باری بود. بروز ویای موحش و عظیمی که تعداد کثیری از مردم را هلاک کرد، موجب وحشت اهالی شده، هر خانه‌ای را اذغدار عزیزی نموده بود. بر پایه یادداشت‌های محسنی (۱۰)، تعداد تلفات این بیماری به روزی ۴۵۰ نفر و گاهی ۷۰۰ نفر بالغ می‌شده است. این ارقام، تنها به نقل از گورکنها بوده و از میزان واقعی قربانیان، آماری متقن در دست نیست. در زبان ترکی به وی، «اوماجا» گویند. لذا آن سال در آن منطقه به واسطه بروز وی، «سال اوماجا» نامیده شد و چون در تاریخ اردبیل واقعه مهمی محسوب می‌شد، برای ذکر وقایع بعدی، مبدأ تاریخی گردید. اهمیت این واقعه، به اندازه‌ای بود که قتل ناصرالدین شاه را در این ولایت چهار سال بعد از سال «اوماجا» ذکر کرده‌اند. (۱۱) پس از قتل ناصرالدین شاه (۱۳۱۳ ق.) اردبیل، شاهد حوادثی همچون طغیان بعضی از عشایر و بی‌نظمیهای حوالی مغان و اطراف اردبیل بود که در اوایل سلطنت مظفرالدین شاه روی داد؛ ولی به امر شاه جدید و با اعزام عده‌ای سرباز از تبریز سرکوب شد. با برکناری علی‌خان والی (۱۳۱۵ ق.)، صمدخان شجاع‌الدوله به حکومت اردبیل منصوب شد. (۱۲)

در آن دوره، با توجه به رشد تفکرات اصلاح طلبانه، مردم به فرهنگ جدید و برپایی مدارس با اصول نو علاقه مند شده، کم و بیش طرفداران این تفکر کارهایی انجام می‌دادند. در عین حال با مخالفت برخی خشک‌اندیشان، برای هر حرکت جدید جوی نامساعد وجود داشت و در برابر هر حرکت نو فرهنگی، حکم تکفیر مرتکب آن صادر می‌شد. (۱۳)

در سال ۱۳۲۲ ق.، محمدولی خان تکابانی، به مدت یک سال به حکومت اردبیل منصوب و در واقع به آن جا تبعید شد. فضای فعالیت برای افراد خیر و طرفداران تمدن جدید، مهیا و با حمایت محمدولی خان اقداماتی انجام شد. مثلاً مقرر شد صاحب هر خانه، کوچه مجاور خود را سنگفرش کند و شبها بر در هر خانه، فانوس دیواری نصب شود که تا صبحدم کوچه را روشن نماید. محمدولی خان، اولین دبستان جدید را نیز با کمک برخی از روشنفکران و تجار اردبیل تأسیس نمود که به احترامش، نام آن را «نصریه» نهادند. (۱۴)

کودکان بیش از ۴۰ خانواده، با هدف فراگرفتن علم و دانش در این مدرسه ثبت نام کردند. اما پس از اتمام مدت حکومت محمدولی خان، مدرسه تعطیل شد. مدیریت مدرسه نصریه را، میرزا حسین رشیدی برادر رشیدی معروف به عهده داشت. وقتی که مدرسه از رونق افتاد، او نیز اردبیل را ترک کرد.

با مساعدت محمدولی خان، قدمهای اولیه پیشرفت برداشته شد. ولی متأسفانه با بروز ویای و کشته شدن روزانه بین ۷۵ تا ۷۰ نفر (۱۵)، خسارات سنگینی به بار آمد که جبران آن ساده نبود.

### اردبیل در آستانه انقلاب مشروطه

در آستانه مشروطیت، اردبیل نیز، شاهد جنبشهایی بود. تحرکات صورت گرفته، شاید به اندازه فعالیت‌های تهران نبود، اما به دلیل آنکه هر امری تابع شرایط خاص خود می‌باشد، اردبیل نیز با توجه به اوضاع اجتماعی و محیط جغرافیایی، شرایط منحصر به خود را داشت و همین شرایط، اقدامات روشنفکرانه آن منطقه را تحت‌الشعاع قرار داد. بررسی اردبیل قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم، به دلیل شرایط اجتماعی آن برهه، زمینه تحلیل موقعیت حاکم بر جامعه آن روزگار را فراهم می‌کند. یکی از این شرایط خاص، اسکان قبایل آن خطه بخصوص شاهسونها (۱۶) در اطراف اردبیل می‌باشد که از دیرباز برای این شهر موقعیت خاصی به وجود آورده، آن ناحیه را به یک منطقه عشایری تبدیل ساخته است. (۱۷)

از سوی دیگر، نزدیکی اردبیل به اروا (از طریق روسیه) و وضعیت جغرافیایی و بازرگانی آن به نسبت ایران آن روزگار و نواحی قفقاز، ارمنستان و ماورای آن، که نقش مهمی در تنویر افکار آزادی‌طلبان و علاقه‌مندان به فرهنگ نو و تجدیدخواهی داشت، موجب آگاهی روشنفکران از نوع حکومت دولتهای آزاد دنیا، حقوق مدنی ملل و زندگی خصوصی‌شان می‌گردید.

با صدور فرمان مشروطیت و تأسیس مجلس شورای ملی (۱۳۲۴ ق.)، آزادیخواهان اردبیل و روشنفکران آن دیار، فرصت یافتند تا فعالیت‌های خود را دوباره سامان دهند. زیرا از عوامل اختناق افکار این سامان، انتصاب حکام ستمکار و مستبدی بود که روشنفکران را با مشکل و سختی روبرو می‌نمود و مجبورشان می‌کرد در لوای انجمنهای رسمی گرد هم جمع شده، دست به اقداماتی بزنند و انجمن سری شعبه اردبیل را تأسیس نمایند.

در آن سال اردبیل، با خشکالی شدیدی روبرو شد و از اوایل سال ۱۳۲۴ ق. / بهار ۱۲۸۵ ش. اکثر مناطق آذربایجان را دربر گرفت. قیمت گندم به هر من ۴/۵ قران رسید. این گرانی، بشدت زندگی مردم را تهدید نمود و آنها را در وضع بدی قرار داد. (۱۸) در این وقت تجار اردبیل، دست به امداد عمومی زده، افرادی همچون حاج میرزا محمد برادر آقامیرزا علی اکبر (۱۹)، حاج محمد جعفر صراف و اسماعیل بیگ شیروانی، آرزوی زیادی از روسیه وارد نموده، شهر را از یک قحطی بزرگ رهانیدند.

این سال را «جفته نیلی» (سال جفته) نامیده‌اند. زیرا اعلامت روی کیسه‌های آرد، به شکل «جفت» یا «جفته» بوده است.

بر اساس نوشته‌های محسنی، در این عمل خیر، ابتدا آرد را جیره‌بندی نمودند. فردی به نام میر محمود محمدزاده برای توزیع و نظارت در پخت آن، از سوی انجمن انتخاب شد. بعدها که اکثر تجار اردبیل به وارد کردن آرد مبادرت کردند، این محدودیت رفع شد. اما بیماری طاعون - که در شرق ایران بخصوص سیستان شایع شده بود - به اردبیل نیز سرایت کرد و عده زیادی را هلاک نمود. (۲۰)

پس از سقوط محمدعلی شاه (۱۳۳۷ق.)، شاهسونها و طوایف قراجه داغ، به اردبیل حمله بردند و آن شهر را غارت کردند. اقدام شاهسونها به «چاقون» (جاول) معروف شده، مبدأ تاریخی سالخوردگان شد. سردار رشید حاکم اردبیل، با فراهم نمودن نیرویی به مدافعه شهر پرداخت. (۲۱) عمق فاجعه غارت اردبیل و فلج شدن شهر، به حدی بود که بازاری جهانی یافت و در لندن و پاریس، تیر درشت صفحات اول روزنامه‌ها به غارت اردبیل اختصاص داده شد (۲۲). قتل و غارتی که به دنبال خود، آشفتنگی شدید معیشتی مردم اردبیل را به همراه داشت.

قبل از اشاره به حادثه مهم سال ۱۳۳۵ق. اردبیل، لازم است بیان شود که در تاریخ اردبیل، کم و بیش نیکو کارانی حضور داشته‌اند که گاه، به شکل بازوی هیئت حاکمه (محمودولی خان تنکابنی) و گاه به صورت اهرمهای مردم (تجار)، به مصیبت زدگان و نیازمندان کمک کرده‌اند و در واقع به عنوان مؤسسات کمک‌رسانی (باتوجه به شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه)، به طور مقطعی ایفای نقش می نمودند.

### مجاعة «قحطی» سال ۱۳۳۵ق.

در جریان خشکسالی سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ق. (مقارن جنگ جهانی اول)، اشغال قسمتی از ایران به دست متفقین و ضعف دولت مرکزی و همچنین باز بودن سرحدات، موجب قحطی و کمبود خواربار، غلات و مایحتاج مردم گردید. زیرا نیروهای بیگانه برای تأمین غذای سربازان خود، آذوقه مردم را به زور می گرفتند. قهر نه ماهه طبیعت و نبود بارندگی، به مشکلات دامن می زد و کشتزارها از بی آبی خشک شده بود، کمبود و گرسنگی، موضوع روز بود. خشکسار و دانگیها (حیوانات) هم نایاب شد و چون نایره جنگ جهانیگیر، کشورهای همسایه راهم در آتش جنگ و انقلاب می سوزاند، قحطی و گرسنگی هم همگانی شد و آنها نیز با این معضل دست و پنجه نرم می کردند.

### اقدامات خیریه حزب دموکرات

با کسادی بازار و کسب و کار، اکثر مردم اردبیل بیکار شدند و تمام تلاشهای حکومت منطقه در این زمینه ناکام ماند. مشیرالسلطان حاکم اردبیل، مستعفی شد و امیرالسلطنه به جای او به حکومت رسید. در همان زمان، فرقه دموکرات و اتحاد اسلام، با هم درگیر شدند. حاکم نیز، در این منازعات مداخله کرد. او، با غلبه بر حریف در قلعه مستقر شد و چون به تنهایی نتوانسته بود در رفع نیازمندیهای مردم و حل مسئله قحطی اقدامی بنماید، با همکاری اعضای حزب فرقه دموکرات، کمیسیون (۲۳) متشکل از جهل و چهار نفر از سران دموکرات تشکیل داد که افرادی همچون: ابوالفضل رضازاده، میرزایوک آقاوهابزاده، حسینعلی تبریزی (۲۴) و میرعباس محسنی در آن حضور داشتند و در مورد تأمین نان مردم، تصمیماتی اتخاذ نمودند. این افراد با وجود تفکرات سیاسی، چون ذاتاً افرادی مسلمان و ایرانی بودند، تصمیم گرفتند برای کمک به هموعان خود، دست یاری طلبی امیرالسلطنه را بفشارند و در برابر وضعیت موجود، منشأ اثر خیریه شوند.

رضازاده با اخذ اختیارات تام، تأمین نان مردم را به عهده گرفت و با موافقت امیرالسلطنه طی نامه رسمی کمیسیون مزبور، بلافاصله دست به کار شد و با تشکیل یک انجمن خیریه و اقدامات فوری آن انجمن، از دحام مردم در جلونانو آنها کاسته شد و دکانداران نیز به کار خود بازگشتند. هر منطقه، مسئول تأمین نان خانوارهای همان منطقه شد. در نتیجه، آرامش نسبی بر مردم و ثبات و امنیت بر شهر حاکم شد. انگیزه تهیه آرد و غله مورد نیاز مردم کمیسیون را واداشت که تا پایان دوره قحطی، آن را تأمین نماید. برای رفع این مشکل، نیکوکاران و افراد خیر شهر به ریاست میرزایوک آقاوهابزاده از حزب دموکرات، به کمک درماندگان شتافتند و دوست نفر از اطفالی را که پدر و مادر خود را در نتیجه قحطی از دست داده بودند، در خانه حاج یوسف لشکرانی در نزدیکی بازار حلبی سازها جمع کرده، به نگهداری شان پرداختند و در هر کوی و برزن برای نگهداری ینویان و بزرگان، کمیسیونهایی تشکیل دادند. (۲۵)

رسول وهابزاده نیز، یکصد نفر از فقرا را مدتی نگهداری کرد. مختار احمدزاده (۲۶) از آزادیخواهان اردبیل - که بعد از شکست حاج باباخان از امیرالسلطنه، رئیس بلدیة شهر شده بود - عده‌ای دیگر از این درماندگان را تکفل نمود. بعضی از خانواده‌ها از سر استصال، خود را به کشتار گاههارسانده، با مشکل زیاد مقداری خون گاو و گوسفند تهیه می کردند و در ظرفهایی معروف به «سباح»، روی آتش حرارت داده، می خوردند.

اقدامات حزب دموکرات در تشکیل انجمن خیریه (۱۳۳۶ق.)، محدود به مقطع بحرانی مذکور نشد. این واقعه و دیگر مصایبی که در شهر رخ داده بود، ضرورت وجود چنین تشکیلات جدیدی را برای آینده آن ولایت غیر قابل اجتناب کرد. این اتفاق، در عصری متفاوت با دوران گذشته صورت پذیرفته بود، و آشنایی با مظاهر تمدنی جدید، رنگ دیگری روی حوادث کشیده بود و شکل سازمان یافته‌ای را می طلبید که تا آن برهه، سابقه نداشت.

به همین مناسبت، این امر خیر متوقف نشد و فعالیتهای حزب دموکرات به صورت تشکیل دارالمساکین خیریه و تأسیس مدارس و جمع آوری اعانات محلی از تجار محلات مختلف اردبیل، به کار خود ادامه داد و با همکاری اداره مالیة ایالتی و برقراری ارتباط با وزارت داخله وقت، وجوهات زیادی جمع آوری و برای مصارف مختلف خیریه استفاده شد. علاوه بر آن، مقرر شد با تشکیل اداره معارف، فعالیتهای شتاب یابد و فقرا و ضعفا و نیازمندان را تحت پوشش خود قرار دهد.

در سندی به تاریخ فروردین ۱۳۰۳ ش. ۱۳۳۸ق. مخارج دارالمساکین خیریه این شهر، همراه تاریخچه‌ای از تشکیل آن، شرح اقلام مختلف خوراکی و رفاهی، از نان سنگک و پنیر و گوشت گوسفند گرفته تا شش رشته چاه مبال و استکان نعلبکی و دفترچه کاغذ و جوهر، گزارش شده است؛ همچنین حقوق مدیر و مستخدم و معلم و قیمت اقلام فوق‌الذکر و جمع کل آن، که به امضا و مهر مدیر دارالمساکین مزبور (هیئت خیریه اردبیل) رسیده است و در پایان آن، مهر کابینه ایالتی آذربایجان خورده است. (۲۷)

سند دیگری به تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۰۴ ش. ۱۳۳۹ق. (۲۸) حاکی اطلاعاتی است که کفیل ایالات آذربایجان، «هیقانی» طی نامه‌ای به وزارت داخله گزارش کرده است. در این گزارش، شرح مسوولی از هزینه یکصدوسی نفر از فقرا و ضعفاي اردبیل - که حکومت مرکزی، اول هر برج خواسته بود - آورده شده است. در دوم آبان ۱۳۰۴ ش. ۱۳۳۹ق.، وزارت داخله به وزارت مالیه نوشته است که وصول و مصرف وجوهی که اهالی برخی ایالات جهت کمک به معارف، مدارس و امور خیریه می پردازند را بررسی کند. ضمناً خاطر نشان ساخته که

وجوهات و عیادت، تابع مقررات مشخصی نبوده، شکایات بعدی رادری خواهد داشت. هیئت وزراء، به همین دلیل در جلسه ۲۷ آبان/جدی ۱۳۰۴ ش.، براساس پیشنهاد وزیر مالیه، برای رفع این مشکلات هشت ماده به تصویب رسانده که در ادامه سند از آنها سخن رفته است.

تا سال ۱۳۰۴ ش.، جرقه های تحول ساختار اجتماعی امور عام المنفعه اردبیل، با توجه به حرکت های خیر خواهانه مردم و مسئولان حکومتی، با قبل از مشروطه بی ارتباط نبوده است.

آمال روشنفکران اردبیل نیز در دوره پس از مشروطیت، در مقطعی از زمان راهگشای افراد درمند قحطی زده بی سامان بود. کسانی که خود، توانایی و شناخت یافتن راه چاره را نداشتند، لاجرم یا توسط حکومت محلی، یا در صورت وجود ضایعاتی عظیم، توسط حکومت مرکزی پشتیبانی می شدند. با رشد تفکرات اجتماعی و تغییرات ساختار سیاسی، این بار از بین اقشار تحصیل کرده و تجار روشنفکر، طبقه ای پا گرفت که به عنوان پدید آورندگان مؤسسات جدید عمرانی و عام المنفعه، در جهت اعتلای جامعه و بهبود زندگی اطفال بی سرپرست و افراد دردمند، دست به اقدامات نوین و خیر خواهانه ای زدند.

### پی نوشتها:

- ۱- عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری، دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه الزهراء.
- ۲- با تقسیم بندیهای جدید جغرافیایی، اردبیل، به طور مستقل استان جدیدی شده است. اما در اینجا منظور خطه بزرگ آذربایجان است.
- ۳- سعیدیان، عبدالحسین: سرزمین و مردم ایران، ج ۵ نشر مؤلف، تهران ۱۳۶۷، ص ۲۸۸.
- ۴- سازمان برنامه و بودجه، آذربایجان شرقی، نشریه ش ۸۹.
- ۵- شیروانی، زین العابدین: استان السیاحه، به کوشش عبدالله مستوفی، چاپ سنگی سنایی و محمودی، تهران ۱۳۱۵ ق.، ص ۲۶ سرزمین و مردم ایران، ص ۲۸۸ اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، تصحیح عبدالحسین نوبی و میرهاشم محدث. مرآت البلدان، ج ۱ دانشگاه تهران، ۱۳۶۷، ص ۴۲ حکیم، محمدتقی: گنج دانش، به اهتمام محمدعلی صوتی و جمشید کیانفر، زرین، تهران ۱۳۶۶، ص ۱۵.
- ۶- یغمایی، حبیب: مجله بوسه های تاریخی، ص ۱۱ ش ۲۱۶ مهر و آبان ۱۳۵۵، ص ۱۷۰.
- ۷- خاماچی، بهروز: فرهنگ جغرافیایی آذربایجان شرقی (اردبیل) ج اول، انتشارات سروش، تهران ۱۳۷۰، ص ۱۷۰. بار تولد، و، تذکره جغرافیایی تاریخی ایران، حمزه سردادور (طالزاده) ج سوم، انتشارات طوس، تهران ۱۳۶۲، ص ۲۱۷.

۸- طاهری، ابوالقاسم: جغرافیای تاریخی گیلان، مازندران و آذربایجان از نظر جهانگردان، نشر شورای مرکزی، تهران ۱۳۳۷، ص ۱۲۳.

۹- صفوی، بابا، اردبیل در گذرگاه تاریخ، ج ۱، نشر دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل، ص ۱۶۹. مرآت البلدان، ج ۱، ص ۴۰. هدایت، رضاقلی خان: روضه الصفاح ۱۰، خیام مرکزی، تهران ۱۳۳۰، ص ۶۶.

۱۰- میرزا عباس محسنی معروف به «شالمانف» از روشنفکران اردبیل بود که شغل نویسندگی داشت. و قلیع دوره حاضر رادر کتابچه ای باخط خوش نوشته است که در این پژوهش، از آن استفاده زیادی شده است.

۱۱- اردبیل در گذرگاه تاریخ، ص ۱۶۴.

۱۲- بامداد، مهدی: شرح حال رجال ایران، ج ۲، نشر زوار، تهران ۱۳۷۱، ص ۸۸۰.

۱۳- اردبیل در گذرگاه تاریخ، ص ۱۷۹.

۱۴- قاسمی، پویا، اقبال، مدارس جدید در دوره قاجاریه، ج ۱، مرکز نشر دانشگاهی تهران ۱۳۷۷، ص ۳۷۴.

۱۵- همان کتاب، ص ۸۸۱.

۱۶- شاهسون، کلمه ای فارسی- ترکی است به معنی «دوستدار شاه» شاهسونها، زندگی چادر نشینی و گله داری داشتند و ۱۲ ماه سال را بین دشتهای معان و بیلافت کوه سیلان در حرکت بودند. شاهسونان، اغلب از سیاست به دور بوده و به همین دلیل آلت اجرایی مقاصد دیگران قرار می گرفتند و گرفتاریهای سختی برای مردم شهر، دولت و مملکت فراهم می کردند. (گفتنامه دهخدا، حرف ش، ص ۱۷۱).

۱۷- اردبیل در گذرگاه تاریخ، ص ۱۶۱.

۱۸- کسروی، احمد: تاریخ هجده ساله آذربایجان، ج ۱۰، امیرکبیر، تهران ۱۳۷۱، ص ۶۸۸. اردبیل در گذرگاه تاریخ، ص ۱۹۵.

۱۹- میرزا علی اکبر پسر میرزا محسن مجتهد، از علمای بنام و ثروتمند اردبیل که به این دلیل به «قولی مجتهدی» (کسی که طلای زیادی دارد) شهرت یافت. میرزا علی اکبر، پسر دوم از زن زنجانی اش بود. وی در نجف نزد ملا کاظم خراسانی و میرزای شیرازی تعلیم نمود و به عنوان پیشوای نعمتیان اردبیل، سالها مرید شماره یک این شهر بود (نگریده: «الماتر والانتار»، باب دهم ۱۱۲، کسروی نیز در تاریخ هجده ساله آذربایجان، او را شیخ فضل الله و سید کاظم بزیدی، در یک رده مقایسه کرده است).

۲۰- همان کتاب، ص ۱۶۱.

۲۱- تاریخ هجده ساله آذربایجان، صص ۶۸۸، ۶۸۹، اردبیل در گذرگاه تاریخ، ج ۱، ص ۱۹۸.

۲۲- دولت آبادی، سید علی محمد، خاطرات، ج اول، انتشارات فردوسی، تهران ۱۳۶۲، ص ۱۹۸.

۲۳- تاریخ هجده ساله آذربایجان، ص ۶۸۹، اردبیل در گذرگاه تاریخ، ج ۱، ص ۳۶۲.

۲۴- به واسطه آنکه در هیچ منبعی اعم از کتب تاریخ محلی و عمومی آسامی فوق الذکر دیده نشد، لاجرم تنها به آوردن نام ایشان به صورت کنونی بسنده شده است.

۲۵- تاریخ هجده ساله آذربایجان، ص ۶۹۴.

۲۶- مختار احمدزاده، از اعضای اصلی کمیته اصلی مجازات که به «قره مختار» معروف بود.

۲۷- سند نامه ۱، ۱۳۳۸۲۶، ۲۹۰ و ۲۹۱/۱۲۳۸۲۶، آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

۲۸- سند نامه ۳، ۱۷۳۸۲۷، ۲۹۰ آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

نشان شیر و خورشید - وزارت داخله - ایالت آذربایجان

به تاریخ ۱۵ برج اردی [بهشت] - ۱۳۰۴ تهران

نمره ۱۲۰۵

مقام منبع وزارت جلیله ی داخله - دامت شوکت

یکصد و سی نفر از طبقه ی ضعیفا و فقرا ی شهر اردبیل - که در دارالمساکین خیریه ی آن جا عاشره می شوند - صورت جمع و خرج آنها

از حکومت خواسته شده بود که در سراسر برج مرتباً بفرستند، اینک صورت برج حمل را - که فرستاده بودند - برای مزید استحضار خاطر

مبارک لفاً تقدیم می دارد. ۲

کفیل ایالت - میقاتی [امضای]

[حاشیه ی یکم: اداره ی شمال ۲۴ - ۱۳۰۴]

[حاشیه ی دوم: مهر ورود به کابینه ی وزارت داخله - [به] تاریخ ۲۶ ماه ثور ۱۳۰۴

[سند نمره ی ۳ و ۱۲/۳۸۲۷، ۲۹۰ آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ی ملی ایران]

۱- اصل: آن.

۲- اصل: تقدیم می شود.

عایدات صندوق دارالمساکین خیریهی اردبیل در برج حمل ۱۳۰۳

توضیحات	جمع کل		قدر عواید		بابت چه	شرح	نمره قبوضات	تاریخ	
	د	ق	د	ق*				برج	روز
			۳/۷۴	۵۰	۲۰۰۵/۵ بار	عایدات از جواز محمولات آرد	۱ " ۴۶۴	حمل	۱۳۶
			۲۶۹	-	۱۳۴/۵	عایدات از جواز محمولات گندم	۳۱ " ۳۴۱	"	"
			۳۰	-	۱۵	عایدات از جواز محمولات جو	۸۱ " ۱۸۵	"	"
			۸	-	۴	عایدات از جواز محمولات حیویات	۱۲۴ " ۲۴۳	"	"
			۱۷۰	-	۳۴	عایدات از جواز محمولات روغن	۱ " ۲۴	"	"
			۲۰	-	جرم	سید جلال الدین، مدیر قرائتخانه	۱	"	"
			۱۰۰	-	اعانه	آقا صادق نبی زاده توسط صداقت از بادکوبه	۲	"	۹
			۳۰	-	جهت مریضخانه	آقا محمد باقر	۳	"	۲۱
			۵۶۲	۵۰	اعانه‌ی مسافرین	اداره‌ی قلعه بیگی از نمره‌ی ۳۲ ۵ دفتر فرمانده کل	۴	"	۳۱
			۷۵	-	یکماهه	مشهدی نصیر نبی زاده منافع بانصد تومان تنخواه نزول	۵	"	"
			۵۴	-	حاصل صندوق	صندوق اعانه‌ی اتاق مدیریت دارالمساکین	۶	"	"
			۱۸۲	-	۱۳۰ من	مشهدی صادق خجاست قیمت نان که از مصرف اصناف مانده	۷	"	"
			۴۳	۴۰	۳۱ من	خبازان	۸	"	"
			۱۰۰	-	پس گرفته شده	مخارج ۱۵ روزه‌ی مسافرت امیر از آقای اربابزاده	-	"	"
			۴۵	-	گرفته شده	حقوق ۱۵ روزه‌ی مسافرت امیر از سید خلیل مستخدم	"	"	"
	۴۸۷۶	۱۵	۱۲	۷۵	یکماهه	حاصل دستمزد افراد اثاث و پشم ریمان	"	"	"
			۴۸۷۶	۱۰	جمع		مخارج برج جاری موجب صورت محاسبه نمره‌ی ۲		
	۷۳۸	۴۰				باقی عواید، بعد از موضوع مخارج برج جاری مانده است.			
	۱۸۴۳۹	۸۵				موجودی صندوق در اول برج حمل به موجب صورت، نمره‌ی ۲۷ بود.			
	۱۱۹۱۳۸	۲۸				موجودی در اول برج ثور، مبلغ یکهزار و نهصد و شانزده تومان، هشت هزار و دویست و پنجاه مانده است. مدیر و محاسب؛ محل امضا؛ محل مهر هیئت خیریهی اردبیل			

\* د = دینار، ق = قران. [سند نمره‌ی ۱۲/۳۸/۱-۲۹۰ آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی ایران] حاشیه سند: سواد مطابق اصل است.

مخارجات دارالمساکین خیریه اردبیل در برج حمل ۱۳۰۳

نمره ردیف	شرح	قدر	قیمت		جمع کل	
			ق	د	ق	د
۱	[مخدوش ۹] معمولی	۴۰۰ من	-	مجان		
۲	پنیر	۷ من منی یک	۸۰	۷۷		
۳	گوشت گوسفند	۳۳ من	۲۰	۳۱۹		
۴	شیرجاموش [گاومیش]	۱۱۸ من	۲۰	۲۸۶		
۵	برنج رسمی برای شیر برنج	۳۶ من منی یک	۷۵	۱۸۲		
۶	استاد رحیم شیربرنج و پلو	۲۶ دقه	-	۵۳		
۷	دوشاب	منی یک	۳۰	۳		
۸	صدری وسط برای پلو	۱۲ من	-	۷۶		
۹	آلرجه مراغه	۴ من	۵۰	۱۸		
۱۰	قیسی [قیسی] و ذوغال	۲ من	-	۷		
۱۱	نسک	۴ من	۸۰	۴		
۱۲	سیب زمینی پیاز	۱۰ من	۹۰	۱۴		
۱۳	نخود	۳ من	۵۰	۱۳		
۱۴	دوا خوردنی، مالیدنی به موجب نسخه های دکتر	۶ فقره	۴۰	۱۶۰		
۱۵	[۹]	۳۰ جعبه	-	۱۰		
۱۶	صابون یک چارک کل ۱ من	(۱ من یک)	۴۰	۷		
۱۷	استحمام، سرتراشی، کیسه کشی افراد ذکور و اناث	۱۱۰ نفر	۱۰	۳۴		
۱۸	کارتون (یکی ماشین دار)	۵ جلد	۵۰	۱۴		
۱۹	دوسیه	۳۰ ورقه	-	۳۰		
۲۰	اندیکاتور	جلد ۵۰	۵۰	۸		
۲۱	چنگال، زنگ اخبار، ظرف و شیشه تزئینی	۱۲ فقره	۴۰	۱۳		
۲۲	دفترچه کاغذ ساده و خط دار، خشک کن	۱۱ فقره	۸۵	۱۲		
۲۳	توتون	یک ماهه	۸۵	۴		
۲۴	ذوغال	۷ من	۶۰	۸		
۲۵	جوهر	۳ پوچ ۲۲ من و نیم	۹۰	۴۳		
۲۶	عیدبانه و فوق العاده برای افراد	۱۲۴ نفر	۶۰	۵۲		
۲۷	نجار و عمله برای تعمیر حوض و مریضخانه	۳۲ نفر	۵۰	۲۳		
۲۸	کچ راهک " " "	۱۰۱ من	۲۰	۵۳		
۲۹	چاه مبال ۶ رشته ۲۷ ذرع چوب برای چاه	۱۰ عدد	۱۰	۴۰		
۳۰	استکان نعلیکی زیر استکان [۹] قند چای		۲۰	۶۰		
	جمع		۲۵	۱۶۹۰		

نمبره ردیف	شرح	قدر	قیمت		جمع کل	
			د	ق	د	ق
	جمع پاورقی جدول مقابله موجب شرح زیر		۲۵	۱۶۹۰		
۳۱	جمعه آن	۲ عدد	-	۵۰		
۳۲	طشت بزرگ و کوچک و دیگر (۳ عدد)	۱۰ امن منی ۳۶ متقال	۲۵	۱۸۷		
۳۳	میز تحریر		-	۲۳		
۳۴	تخت خواب و پتو کلیه مریضخانه	۹ عدد	۵۰	۵۵		
۳۵	لوچه قبه بام و شیشه برای مریضخانه	۷ فقره	۲۰	۲۳		
۳۶	آفتابه آهن ۱۱ عدد و نر [دبان] بام ۳ عدد	۱۴ عدد	۹۰	۳۰		
۳۷	مقراض و فدوکاره برای فرش بافی	۹ قبضه	-	۶		
۳۸	چوب دنال برای دستگاه فرش بافی و مزد	۱۷ فقره	-	۵۳		
۳۹	حصیر تازه (۴ ذریعی)	۴۰ تخته	۵	۱۳۱		
۴۰	جهت مقاطعه یک ساله فانوس	۱۲ ماهه	-	۱۰		
۴۱	موقال [متقال] سمار	آتوب	-	۶۰		
۴۲	مزد پنج ثوب پیراهن مریضخانه و ندافی کلکته	۳ من	-	۱۵		
۴۳	دستمزد به افراد اثاث حصه از عایدات خودشان		۷۰	۷		
۴۴	جهت کفش مسروقه افراد به آقابالاقو شب ها را		-	۳		
۴۵	غفار سلمانی عنوان اعانه	یک ماهه	-	۴۵		
۴۶	مخایره تلفراف قیمت جراید و حقوق مدیر قرائتخانه		۱۰	۵۶۳		
۴۷	کرایه اسب میرخلیل مستخدم از خیریه اردبیل		-	۱۰		
۴۸	حقوق دکتر آخونداف و فرشین	یک ماهه	-	۱۸۰		
۴۹	فوق العاده قاسم آقا نظامی مفتش اجرایی	"	-	۴۵		
۵۰	حقوق معلمه افراد محصلات	"	-	۵۰		
۵۱	حقوق مدیر و مستخدمین	"	۸۰	۴۲۳		
۵۲	حقوق استاد رضا فرشباف	۱۵ روزه	-	۶۰	۳۷۲۲	۷۵
	تنخواه و مصرف دستگاه فرشبافی					
۱	ریسمان تودار برای تاروپود فرش	منی	۴۰	۴۵		
۲	خامه پشم برای فرش خریدار چوخاچی	۴ من	-	۲۰۰		
۳	رنگ رازی (رزی) خامه فرش	۶ من یک سقط	-	۱۲۰		
۴	پشم چرک و مزد رسیدن و حمالی	۲ من	۶۰	۳۹	۴۰۵	-
	جمع دو فقره مخارج و مصارف				۴۱۳۷	۷۵

۴۱۳۷۷۵ [به سیاق]

مبلغ چهار صد و سیزده تومان و هفت هزار و هفتصد و پنجاه دینار مخارج فوق می باشد.

محل امضاء مدیر و محاسبه محل مهر هیئت خیریه اردبیل

[سند نمره ۱۲/۳۸/۲۶ و ۲۹۰ آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران]

حاشیه بالا: سواد مطابق اصل است.

تاریخ شهر ۱۳ طرانی  
مطابق ۱۳ برج آذر



وزارت داخله

ایالت آذربایجان

نمبر ۱۳۰۵

سقام بیخ در دربارت صعد و صعدت کلمه

یکصد و نود و یک نفر در طبقه ضعیف و فقرا و شمار بیخ در دربارت کلمه  
دینا باشد بیخ صورت بیخ و خرج کن در حکومت نبوت شده  
در دربارت بیخ برتا بیخ بیخ صورت بیخ صورت بیخ صورت  
برای نریه بیخ بیخ بیخ بیخ بیخ بیخ بیخ بیخ بیخ بیخ بیخ

۱۶  
۸

کتابخانه علم و ادب  
اداره اسناد و کتابخانه ملی  
تاریخ ۱۳۰۵

کتابخانه وزارت داخله  
تاریخ ۱۳۰۵

برای

۹۸



مذمت مددکاران خیریه در روز پنجشنبه ۱۳۱۲

ردیف	مجموع کل		مقدار		شرح	رقعت	تاریخ	
	ق	د	ق	د			بج	مذ
			۳۱۷۳	۵۰	۱۰۲۰۵	۱۰۲۴۶	۱۳۱۲	۱۳۱۲
			۲۵۹	-	۱۳۲۱	۳۱-۳۴۱	۵	۵
			۴۰	-	۱۵	۸۱-۱۸۵	۶	۶
			۸	-	۳	۱۲۲-۲۲۲	۷	۷
			۱۷۰	-	۳۲	۱-۲۲	۸	۸
			۲۰	-	۳	۱	۹	۹
			۱۰۰	-	۱۰۰	۲	۱۰	۱۰
			۳۰	-	۳۰	۳	۱۱	۱۱
			۵۵۲	۵۰	۵۵۲	۴	۱۲	۱۲
			۷۵	-	۷۵	۵	۱۳	۱۳
			۵۴	-	۵۴	۶	۱۴	۱۴
			۱۸۲	-	۱۸۲	۷	۱۵	۱۵
			۲۳	۴۰	۲۳	۸	۱۶	۱۶
			۱۰۰	-	۱۰۰	۹	۱۷	۱۷
			۲۵	-	۲۵	۱۰	۱۸	۱۸
	۲۸۷۶	۱۵	۱۲	۷۵	۱۲	۱۱	۱۹	۱۹
			۲۸۷۶	۱۵	۲۸۷۶	۱۲	۲۰	۲۰
			۲۱۳۲	۷۵	۲۱۳۲	۱۳	۲۱	۲۱
	۷۳۸	۴۰						
	۱۸۲۲۹	۸۵						
	۱۹۱۶۸	۲۵						

مجموع در روز پنجشنبه ۱۳۱۲ مبلغ کل مددکاران خیریه در روز پنجشنبه ۱۳۱۲

۱۳۱۲

۱۳۰۲

ردیف	شرح	قیمت		شرح	مقدار	قیمت		شرح
		د	ق			د	ق	
۱	پیشانی	۲۵	۰	پیشانی	۲۵	۱۹۹۰	۰	
۲	پیشانی	۲۷	۸۰	پیشانی	۲۷	۵۰	۰	
۳	پیشانی	۲۹	۲۰	پیشانی	۲۹	۱۸۹	۳۰	
۴	پیشانی	۲۸	۲۰	پیشانی	۲۸	۳۳	۰	
۵	پیشانی	۱۸۲	۷۵	پیشانی	۱۸۲	۵۰	۰	
۶	پیشانی	۵۳	۰	پیشانی	۵۳	۲۳	۰	
۷	پیشانی	۳	۳۰	پیشانی	۳	۳۱	۹۰	
۸	پیشانی	۶۶	۰	پیشانی	۶۶	۶	۰	
۹	پیشانی	۱۸	۵۰	پیشانی	۱۸	۵۳	۰	
۱۰	پیشانی	۷	۰	پیشانی	۷	۱۳۱	۵	
۱۱	پیشانی	۴	۸۰	پیشانی	۴	۱۰	۰	
۱۲	پیشانی	۱۳	۹۰	پیشانی	۱۳	۶	۰	
۱۳	پیشانی	۱۳	۵۰	پیشانی	۱۳	۱۵	۰	
۱۴	پیشانی	۱۶۰	۳۰	پیشانی	۱۶۰	۷	۷۰	
۱۵	پیشانی	۱۶	۰	پیشانی	۱۶	۳	۰	
۱۶	پیشانی	۷	۴۰	پیشانی	۷	۳۵	۰	
۱۷	پیشانی	۳۳	۱۰	پیشانی	۳۳	۵۶۳	۱۰	
۱۸	پیشانی	۱۴	۵۰	پیشانی	۱۴	۱۰	۰	
۱۹	پیشانی	۳۰	۰	پیشانی	۳۰	۱۸۰	۰	
۲۰	پیشانی	۸	۵۰	پیشانی	۸	۲۵	۰	
۲۱	پیشانی	۱۴	۳۰	پیشانی	۱۴	۲۰	۰	
۲۲	پیشانی	۱۲	۱۵	پیشانی	۱۲	۴۲۳	۹۰	
۲۳	پیشانی	۴	۸۵	پیشانی	۴	۳۷۳۲	۷۵	
۲۴	پیشانی	۸	۶۰	پیشانی	۸			
۲۵	پیشانی	۲۳	۹۰	پیشانی	۲۳			
۲۶	پیشانی	۶۲	۶۰	پیشانی	۶۲	۳۵	۳۰	
۲۷	پیشانی	۲۳	۵۰	پیشانی	۲۳	۲۰۰	۰	
۲۸	پیشانی	۵۳	۳۰	پیشانی	۵۳	۱۳۱	۰	
۲۹	پیشانی	۲۰	۱۰	پیشانی	۲۰	۳۰۵	۰	
۳۰	پیشانی	۶۰	۲۰	پیشانی	۶۰	۴۱۳۷	۷۵	
۳۱	پیشانی	۱۶۹۰	۵۰	پیشانی	۱۶۹۰			